

سنت نصرت الهی و تأثیر آن بر پایداری و مقاومت

سیدعلی هاشمی نشلجی*

اشاره

بی شک هر مسلمانی و هر جامعه اسلامی با دشمنانی درونی و بیرونی مواجه است. نفس اماره و زیاده خواه، دشمن درونی انسان است و دشمنان بیرونی جامعه اسلامی، کافران و مشرکان و منافقان هستند که می کوشند جامعه اسلامی را با مشکل روبرو کنند. رمز پیروزی و رستگاری انسان و جامعه، استقامت است. خداوند به کسانی که در راه اهداف متعالی خود تلاش می کنند و از وسوسه های دشمنان خستگی به خود راه نمی دهند، نصرت عنایت می فرماید و به یقین پیروزی نهایی نصیب کسانی خواهد شد که مشمول نصرت الهی باشند: «إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»^۱ اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره نخواهد شد. و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد داد؟ و مؤمنان باید فقط بر خدا توکل کنند».

این نوشتار به بررسی آثار سنت نصرت الهی بر مقاومت می پردازد و می کوشد جنبه های مختلف این آثار را به طور جامع تبیین کند.

معنای سنت

سنت در لغت به معنای سیره، راه و روش است؛ خواه روشی نیکو باشد یا روشی قبیح.^۲ در

* پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. این نوشتار در همایش ملی مقاومت اسلامی از نگاه قرآن کریم ارائه شده است.

۱. آل عمران: ۱۶۰.

۲. محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

احادیث نیز سنت به همین معنا به کار رفته است؛^۱ مانند حدیث نبوی: «سُنُّوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ»^۲ در جزیه‌گرفتن از مجوسیان، همانند روش و سیره اهل کتاب عمل کنید؛ همچنین مانند حدیث نبوی که فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً...»^۳ هر کسی روش نیکویی را بنا نهد». طبرسی در معنای سنت می‌نویسد: «سنت عبارت است از راه و روشی که برای پیروی از آن قرار داده شده است و هنگامی که گفته می‌شود "سنة رسول الله"، یعنی راه و روشی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشته است».^۴ البته گاهی مراد از سنت، قانون تکوینی الهی است که برای همه امت‌ها قرار داده است. اینکه خداوند به مسلمانان دستور می‌دهد در شهرهای مختلف سفر کنند و سرنوشت آنان را بنگرند، بدین دلیل است که از سرنوشت آنان درس عبرت بگیرند و از عواملی که موجب نابودی آنان شد، دوری گزینند.

معنای مقاومت

مقاومت از ریشهٔ ماضی «قام» و مصدر «ق-و-م» در معانی نگهداری، پایداری، ایستادگی،^۵ اراده، راست‌شدن،^۶ اعتدال، ثبات و استمرار^۷ به کار برده شده است؛ همچنین در فرهنگ‌های فارسی به معنای ایستادگی و پایداری^۸ تعریف شده است.

واژه مقاومت در قرآن به کار نرفته است؛ اما مشتقات واژه «استقامت» در قرآن آمده است؛ مانند «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ»^۹ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن و نیز آنان که همراهت به سوی خدا روی آورده‌اند، ایستادگی کنند» یا «فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِمْوا لَهُمْ»^{۱۰} پس تا زمانی که [به پیمان‌شان] با شما پایداری کنند، شما هم به پیمان‌تان با آنان پایداری

۱. مجدالدین ابن‌الاثیر، النهاية فی غریب الحديث والأثر، ج ۲، ص ۴۰۹؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، ج ۳، ص ۲۶۷-۲۶۸.
۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۸.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹.
۴. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۴۱.
۵. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۲۳۳.
۶. ابوالحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۳.
۷. اسماعیل بن حماد جوهری فارابی، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، ج ۵، ص ۲۰۱۷.
۸. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، ص ۷۲۴۷.
۹. هود: ۱۱۲.
۱۰. توبه: ۷.

کنید» و نیز «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ بی‌تردید کسانی که گفتند: پروردگار ما الله است، سپس [در میدان عمل بر این حقیقت] استقامت ورزیدند، نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند».

سنت نصرت الهی در قرآن کریم

سنت نصرت الهی از جمله سنت‌های الهی است که در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره شده است. خداوند مقدر کرده است که پیامبران و مؤمنان را یاری کند و در نهایت آنان را به پیروزی برساند: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ»^۲ هرآینه ما فرستادگان خود و آنان را که ایمان آورده‌اند در زندگانی این جهان و در آن روز که گواهان برپا ایستند یاری می‌کنیم». «وَ لَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»^۳ و به یقین قضای حتمی [و وعده قطعی] ما درباره بندگان فرستاده‌مان [در علم ازلی و لوح محفوظ] گذشته است که بی‌تردید آنها هستند که [از جانب ما] یاری‌شدگان‌اند. و البته سپاه ما هستند که پیروزند». برخی آیاتی که بیان‌کننده این سنت الهی است، چنین است: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۴ و بی‌گمان خدا به کسانی که او را یاری کنند، یاری خواهد رساند که همانا خدا نیرومند و شکست‌ناپذیر است». حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب درباره این آیه می‌گوید: «هر کس برای خدا کار کند، خدا هم تمام امکانات و علم و قدرت خودش و سنت‌های آفرینش را در خدمت او قرار خواهد داد. "وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ" این جمله عجیبی است - "ل" قسم و "ن" تأکید - حتماً خدا کسانی را که او را نصرت کنند، بدون شک نصرت خواهد کرد»^۵.

در آیه دیگر می‌خوانیم: «وَ لَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَذْهَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَ لَا نَصِيرًا»^{*}

۱. احقاف: ۱۳.

۲. غافر: ۵۱.

۳. صافات: ۱۷۱ - ۱۷۳.

۴. حج: ۴۰.

۵. همان.

۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در همایش آسیب‌شناسی انقلاب، ۱۳۷۷/۱۲/۱۵؛ <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2933>

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا^۱ و اگر کسانی که کافر شدند با شما به کارزار آیند، پشت می‌کنند و می‌گریزند؛ آن‌گاه نه کسی را می‌یابند که کارشان را بر عهده گیرد و نه کسی که آنان را یاری کند * خدا چنین رقم زد که پیامبران و مؤمنان راستین بر دشمنانشان پیروز شوند. این سنت خداست که از گذشته جاری بوده است، و هرگز در سنت خدا تغییری نمی‌یابی». این آیه در ضمن آیات مربوط به داستان صلح حدیبیه آمده است که درباره صلح حدیبیه دو نکته اساسی و مهم را بیان می‌کند:

۱. به مسلمانانی که همراه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در صلح حدیبیه شرکت داشتند، این نکته را یادآور می‌شود که گمان مبرید اگر به جای برقراری صلح میان شما و مشرکان، جنگی رخ می‌داد، مشرکان پیروز می‌شدند، بلکه اگر مشرکان به جای صلح با شما پیکار می‌کردند، به یقین از کارزار پشت می‌کردند و از میدان فرار می‌کردند و پس از آن هیچ ولی و یآوری نمی‌یافتند.

۲. اینکه مشرکان و کافران در پیکار و کارزار با مؤمنانِ موحد از صحنه کارزار پشت می‌کنند، منحصر به زمان خاصی نیست، بلکه یک سنت الهی در طول تاریخ است و هیچ‌گاه سنت الهی تغییر و تبدیل نخواهد کرد. با توجه به این دو نکته روشن می‌شود که اگر مؤمنان در جهاد ضعف و سستی نشان ندهند و با قلبی پاک و نیتی خالص به مبارزه کنند، خدا آنان را پیروز می‌کند. پس خداوند پیروزی را برای مؤمنان تضمین کرده است؛ چون عاقبت از پرهیزکاران است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۲ و «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۳ خدای نوشته - حکم کرده - است که من و فرستادگانم البته پیروز خواهیم شد. همانا خدا نیرومند و توانای بی‌همتا است».

از این آیه نیز استفاده می‌شود که خداوند تقدیر را این‌گونه رقم زده است که فرستادگانش را به پیروزی برساند. این تقدیر از جانب خدایی قوی و عزیز است که توانمند و نیرومند و پیروزمند شکست‌ناپذیر است. «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»^۴ و اگر اهل شهرها و روستاها ایمان می‌آوردند و پروا پیشه می‌کردند، به یقین [درهای] برکت‌هایی از آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشودیم؛ ولی [آیات ما را] تکذیب کردند. پس آنها را به سزای آنچه کسب می‌کردند، دچار کردیم». این

۱. فتح: ۲۲ - ۲۳.

۲. قصص: ۸۳.

۳. مجادله: ۲۱.

۴. اعراف: ۹۶.

آیه نیز به سنت نصرت الهی در برابر مؤمنان پرهیزکار اشاره دارد؛ زیرا عنوان «برکات» عام است و برکات مادی و معنوی را دربر می‌گیرد. اگر قومی و ملتی به خدا و وعده‌های او ایمان داشته باشند و پرهیزکار باشند، خداوند برکات آسمان و زمین را بر آنان مقرر می‌دارد.

از روایت «من كان لله كان الله له»^۱ نیز نصرت الهی در برابر مؤمنان استفاده می‌شود؛ چون هر کسی که خدا با او باشد، او را یاری می‌کند و هر کسی که خدا او را یاری کند، پیروز خواهد بود.

امام خمینی علیه السلام می‌گوید: «گفتید حق پیروز است، حق پیروز است. و ما مادامی که در مسیر حق باشیم، پیروز هستیم و باطل منکوب است. و مادامی که در طریق باطل است، منکوب خواهد بود. مواجهه حق و باطل در این زمانی که ما بودیم، این دو مطلب را ثابت کرد؛ ملت حق بود و مقابل ملت صفوف باطل. باطل مجهز به همه جهاز نظامی و جنگی و حق بدون اینکه از جهازات جنگی ظاهری و از سازوبرگ جنگی برخوردار باشد، با مجهز بودنش به ایمان و حق پیروز شد؛ پس حق پیروز است»^۲.

رهبر معظم انقلاب نیز در موارد بسیاری از سنت نصرت الهی سخن به میان آورده است؛ از جمله می‌فرماید: «خدای متعال به شما وعده داده است که اگر دین او را و راه او را و هدف‌های الهی را یاری کنید، شما را یاری خواهد کرد»^۳. یاری خدا به معنای یاری تمام نیروهای موجود در این طبیعت است؛ همه به کمک شما خواهند آمد؛ نیروهای ماوراء طبیعی هم به کمک شما خواهند آمد. یاری خواهید شد، پیش خواهید رفت؛ همچنان که امروز پیش رفتید»^۴.

شرایط و عوامل مؤثر در نصرت الهی

برخورداری از سنت الهی در گرو باورمندی به نصرت الهی و تلاش و کوشش در راه خدا است. در ادامه به شرایط و عوامل مؤثر در نصرت الهی اشاره می‌شود.

۱. باور به نصرت الهی

نخستین شرط برخورداری یک شخص یا یک ملت و امت از سنت نصرت الهی، ایمان است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۹۷.

۲. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

۳. حج: ۴۰.

۴. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی دانش‌آموختگان ارتش، ۱۳۸۹/۸/۱۹؛

باید به تحقق نصرت الهی و اینکه خداوند متعال به وعده‌اش عمل می‌کند، ایمان داشت. کسی که به خدای متعال و وعده‌های او ایمان و باور ندارد، به‌یقین نصرت الهی شامل وی نخواهد شد.^۱ اینکه در آیات متعددی تأکید شده است که خداوند خلف وعده نمی‌کند، به دلیل تحقق ایمان و باور مسلمانان است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَاتِ»^۲ بی‌شک خدا وعده را خلاف نکند. «وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ خدا وعده داده است که در وعده خود خلاف نکند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. از سوی دیگر خداوند کسانی را که به خداوند و وعده‌های او سوءظن دارند، لعنت کرده است: «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالظَّالِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ سَاعَتٌ مَّصِيرًا»^۴ و مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که به خدای گمان بد می‌برند، عذاب می‌کند. گردنده بد [پیشامد بد] بر آنان باد. و خدای بر آنان خشم گرفت و لعنتشان کرد و برایشان دوزخ را آماده کرده است، و بد بازگشت‌گاهی است».

بر این اساس، مؤمنان به وعده‌های الهی در دنیا و آخرت ایمان کامل دارند و هرگاه وعده‌ای الهی تحقق یافت، ایمان و تسلیم آنان افزایش می‌یابد. خداوند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مسلمانان گوشزد کرده بودند که با مشکلات و سختی‌ها در مواجهه با دشمن روبرو خواهند شد. هنگامی که مسلمانان در کارزار احزاب با لشکر ده‌هزار نفری مشرکان روبرو شدند، گفتند این همان چیزی بود که خدا و رسولش به ما وعده داد بود و وعده خدا و رسولش به واقعیت پیوست و درست بود و در این هنگام بر ایمان و تسلیم آنان افزوده شد: «و چون مؤمنان، احزاب [و سپاهیان دشمن] را دیدند، گفتند این همان است که خدا و رسولش به ما وعده دادند و خدا و رسولش راست گفتند. و [دیدن آنها] جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود».^۵

البته باور به وعده الهی فقط به ادعا نیست، بلکه در لحظات حساس زندگی و میدان مبارزه و جهاد خود را نشان می‌دهد و مؤمن واقعی در این لحظات حساس و سخت از مؤمن سست‌ایمان و منافق بازشناخته می‌شود. منافقان و سست‌ایمانان در این لحظات سخت

۱. حج: ۴۰.

۲. آل عمران: ۹؛ رعد: ۳۱.

۳. روم: ۶.

۴. فتح: ۶.

۵. احزاب: ۲۲.

می‌گویند خدا به ما فقط وعده فریب داد: «بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَ الْمُؤْمِنُونَ إِلَى أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَ زُيِّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَ ظَنَنْتُمْ ظَنُّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا»^۱ بلکه پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز به نزد کسان خویش باز نخواهند گشت و این پندار در دل‌هاتان آراسته شد [به آن دل‌خوش شدید] و گمان بد بردید [که پیامبر و یاران او هلاک شوند و دین اسلام برافتد] و مردمی هلاک‌مرده گشتید».

۲. کوشش در راه خدا

دومین شرط بر خورده‌ای یک شخص یا یک ملت از سنت نصرت الهی، تلاش در راه خدا و هدف الهی و عمل به دستورهای خداوند و رسول خداست. قرآن می‌فرماید خداوند کسی را یاری می‌کند که او خدا را یاری کند: «وَ لَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»^۲ و یاری خدا، به یاری دین خدا و اهداف الهی و یاری پیامبران و اوصیا و جانشینان اوست». در تفسیر این آیه گفته‌اند که خداوند به مسلمانان اذن جهاد در مقابل مشرکان را صادر می‌کند؛ پس مصداق بارز یاری خدا، شرکت در کارزار با مشرکان و دفاع از دین خداست.^۳ تلاش و کوششی که در راه خدا انجام می‌گیرد، به سود خود انسان و جامعه اسلامی است؛ چراکه خدای متعال می‌فرماید: «وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ»^۴ و هر که جهاد کند، جز این نیست که به سود خویش جهاد می‌کند؛ زیرا خداوند از جهانیان بی‌نیاز است».

تأثیر سنت‌های الهی بر مقاومت

بعد از روشن شدن مفهوم سنت نصرت الهی، به اثرگذاری این سنت بر مقاومت اشاره می‌کنیم. محوری‌ترین مسئله در اسلام، توحید است. علامه طباطبایی می‌گوید همه اجزای دین با تحلیل به توحید بر می‌گردد.^۵ یک بُعد توحید، توحید عملی است؛ همان چیزی که خداوند خطاب به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «وَ مَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى»^۶ و تو [تیر یا خاک] نیفکندی، آن‌گاه که افکندی، بلکه خدا افکند».

۱. فتح: ۱۲.

۲. حج: ۴۰.

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۹؛ سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۸۶.

۴. عنکبوت: ۶.

۵. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۴، ص ۱۰۹.

۶. انفال: ۱۷.

عبارت «لا حول ولا قوة الا بالله العظیم» بیان‌کننده توحید عملی است. هر مسلمانی باید به توحید عملی باور و ایمان داشته باشد. نصرت الهی زیر مجموعه توحید عملی است. همان‌گونه که گفته شد، خداوند مسلمانان را به نصرت وعده داده است و وعده خدا تخلف‌ناپذیر است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ: بی‌شک خدا وعده‌اش را خلاف نکند».

هنگامی که یک مسلمان به توحید عملی از اعماق وجود خود معتقد باشد و بداند همه چیز در جهان در دست خداوند است، ترس و نگرانی در او کاهش می‌یابد یا به کلی از بین می‌رود. ریشه‌کن شدن ترس و نگرانی، به قدرت مقاومت و ایستادگی او می‌انجامد. باور به سنت نصرت الهی به مؤمنان صدر اسلام کمک کرد؛ به‌ویژه در جنگ احزاب و زمانی که با محاصره دشمنان داخلی و خارجی روبرو شدند. اما آنها نه تنها سست نشدند، بلکه بر استقامت، ایمان و تسلیم خود افزودند و گفتند: «هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا».^۱

بنابراین یک جنبه از تأثیر سنت نصرت الهی بر مقاومت، باورمندی به این سنت است. جنبه دیگری از تأثیرگذاری سنت نصرت الهی بر مقاومت، خودایستادگی و تلاش در راه خدا و میدان مبارزه با دشمن است. ایستادگی به دلیل شمول نصرت الهی بر شخصی است که در برابر مشکلات ایستادگی می‌کند. به عبارت دیگر اگر نصرت الهی شامل حال یک مسلمان نشود، او نمی‌تواند استقامت و پایداری لازم را داشته باشد.

کتاب‌نامه

۱. ابن‌الاثیر، مجدالدین، النهاية فی غریب الحديث والأثر، تحقیق: طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی، ج ۴، قم: مؤسسة إسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
۲. ابن‌بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ق.

۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۸. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، قاهره: لجنة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، چ ۱۹، تهران: صدرا، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.